

پایخ ۵۱: ^{تشریح} از دلایله ضرورت معاد، حکمت این است و آیه شریفه «و ما خلقنا السماوات
والارض و ما بینهما الا بالحق» بر این واقعیت است که بدون داورش هدفی

آسیبها و زمین، به حکم برین خدادند است و دارد.

دقت شود که آیه «و الله لانه ان هر لیجھتکم الی یوم الحساب» به وقوع معاد است و دارد ^{قفلت}

نه ضرورت معاد.

دین فرزندگی (۱) - درس اول - ص

پایخ ۵۲: ^{تشریح} ۴. مطلقاً آیه «قد است که بعد از این فرستاد این را به آنگینند پس

آن ابر را به سوی زمین میگردانیم و آن زمین سوره را بدان [ویدیم] پس از سرش زنده میگردانیم»

زنده کردن زمین سوره، رسیدن ابرهای باشد ^{همچون}

عبارت «در سنگین آسمان» به معنای زنده کردن و سرخوشی است که مادر در وقت (سنگین دوم)

است که در آن مرحله، با آن سوره که (نسخ صورت دوم) در عالم میسر و با این صداهه مرآت

دو باره زنده می شوند در این هنگام آن قله های که در کنار دین است - راه نزاری می گردند.

دین فرزندگی (۱) - درس ۴ - ص ۵۷ و ۵۸

محمد اقصا

سوال ۳۵: گزشتہ ۴: آیت شریفہ دَسِيْرًا اِنَّكَ يَوْمَئِذٍ بِمَقْدَمٍ وَاٰخِرُ: در آن روز بہ اعمال

خبردارد، ہی شود بہ آنچه پیش [از سر] آفریدہ و آنچه پس [از سر] آفرتہ است»

بہ واقعہ در طعن نامہ اعمال» در کیفیت آن رہ دارد . ﴿﴾ انبئہ در محضر صدرا و ستر، اعمال

آن ۶ صورت ظہرات، کئی از وجوہ در میان رتوانہاں بہر اعمال آن است . کج از

این ۶ صلاہ و تواتہاں افسرین و اسامی ہی بہ تندرہ صدرا و ستر در بارہ آن ہی فرمایید: «وَرَاٰنَ

كَلِمَةٍ لَّا فَظْلِيْنَ كَسْرًا كَاتِبِيْنَ يَلْمِيْنَ وَا تَتَعَلَوْنَ .»

﴿﴾ دین درستی (۱) - درس ۵ و ۶ - ص ۴۴ و ۴۷

سوال ۴۵: گزشتہ ۳: مَطْلَبَةٌ آتَمَ كَرِيْمٌ دَرَقَتِيْ اِذَا جَادَ اَقْرَبُهُمُ اَلْحَيٰوةَ قَالَتْ رَبِّ اَرْصِدْنِيْ

عَلَىٰ اَعْمَالِ صَالِحِيْنَ تَرْتٌ» در خواست بہر راہ بہ مقصد مگر بہر بزرگتر آن بہ دنیا ہی ہی (بزرگ)

انجام اعمال صالح تکرر ثواب است . این افراد در روز قیامت ہی گویند: «ای کاش (بہ دنیا) بازگردانند»

ہی شدیم و آیت پروردگارہاں را تکتیب نہی کردیم و از موصلاہ ہی بودیم»

دقت شود کہ آن ۶ آیت آرزوی دوستی نکردن، افراد نادرت را ہی کند نہ تکرر ہمہ دوتہ

دین درستی (۱) - درس ۵ و ۶ - ص ۴۴ و ۴۸

سوال 55: پاسخ: گزینۀ ۳. هلاک کردن = هر گزینۀ بی حی سبب نفسی آن را دارند که در این

سوال تبعات حی سبب نفسی در اثر آن در زینتی که موجب سعادت (من و سایر نفسها) در

اصلاح نفسی (شیرت) استقامت صلاح نفسی) می شود: در وصف علی کبیر و احوال بنویسید: به سبب های

درد واقعی شود و سبب نماند که خود احوال پیرای کنیز است.

دین و زینتی (۱) - درس ۸ - ص ۱۰۲

سوال 56: گزینۀ ۲: آیه شریفه: «لَا يَأْتِيَنَّكَ أَلْفُ آتَمَاتٍ يَتَخَبَوْنَ عُذْرِي وَعْدُكُمْ (رَبِّهَا تَلْقَوْنَ

الاسم بالمتوَدِّعِ - ای کسی که ایمن آورده این دشمنان و دشمنان خود را دوست نگیرد، [به گونه ای که]

و آن مردمانی که سبب منی است، هم چنین (ره) در راستای نفع عملی به دشمنان خدا است.

دین و زینتی (۱) - درس ۹ - ص ۱۱۵ / دین و زینتی (۳) - درس ۳ - ص ۳۵

سوال 57: گزینۀ ۱: (درین اسمی همواره به یوشی تکیه کرده اند و آن را از همه دنیای شمرده اند.

در آیین مسیحیت یوشی اهمیت زیادی داشته است و زنان معتقد به حضرت مسیح (ع) می گویند

مانند حضرت مریم (س) سوی خود را بیوشی تند و با جیب دارد که بعد شوند. زنان راهب مقدسی

همواره یکی از مایل ترین جیبها را انتخاب کرده اند.

گزینۀ ۲: آیین سیرد مد نظر سؤالی است

۴: همه زنان راهب مقدسی یوشی حضرت مریم (س) را انتخاب کرده اند نه همه مسیحیان.

دین و زینتی (۱) - درس ۱۲ - ص ۱۴۶ و ۱۵۰

گنجینه قلم

سوال ۵۸: نرسه ۱: آیه هیت بنی جیهان مادی ، از جمله ما ان ن ساسه . قرآن کریم

می فرماید: « لِيُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا: تا به وسیله آن زنده کنیم سرزمین مرده را »
[آ-۱]

دین دزندی (۲) - درس ۱ - ۹۰۰

سوال ۵۹: بیت « نره ادیش درل هاجله درپی گزسته دست جان ها دامن وی »

بیتگر این مفهوم است که رسول قرار ما اسوه مردم است و دل ما را جان های آن ساهدات می کند

بنام این بیتگر « نخت کوشی و دلسوزی بی سیرما » در حدایه مردم است .

فاخره لافزار ، یکی از قوانین تعلیم کننده اسلام است و تدبیر دنیوی در در آید بودن

دین اسلام می باشد .

دین دزندی (۲) - درس ۲ و ۵ - ۵۰۰ و ۳۱ و ۷۷

سوال ۶۰: نرسه ۴: اعم باقر (۲) می نویسد: « تصرافند آنچه را که است تا روز میکت به آن اصحاب

دارد ، در کتابی [قرآن] آورده است. » منقوله از آنچه مورخ گزاسته ، نیزهای مربوط به

بنا مزرندی و هدایه آن هاست ؛ یعنی همان نیزهای که پی سببان به خاطر آن ها

فرتاده شده اند . این سخن بیتگر در جامعته و عهد سیه برن ، قرآن کریم است .

دین دزندی (۲) - درس ۳ - ۴۱

محمد آقا صالح

سوال ۶۱: گزیده ۲: از آن جایی که در آیه شریفه «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» به این وجه و عمل صالح اشاره شده است. مصداق آن امر المؤمنین (۲) است که آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» اولی است و «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» در این آیه به توصیف دیگری به تفصیل اشاره شده است. مصداق یا زرقی مطالبی با درایت،

اهمیت دارد «دعای مع الحق - الحق مع علی» است.

درس او ۵ دین و زندگی (۲) - ص ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷

سوال ۶۲: گزیده ۳: امر المؤمنین علی (۲) در سخنانی حکیمانه متعدد، بارها سلیقه را استنباط می کند و دستهای در میان با حکومت بنی امیه بیگانه می ماند و می فرمود: «تو تشنه خردش می کنی و نم به دست قدرت اوست، آن دردم [تو می کنی] بر لب میز ز خواهی شد... آن در راه باطلی که ز راه صدای تو می رود تا آن زمان که او را می بیند.»

دین و زندگی (۲) - درس ۷ - ص ۶۵

سوال ۶۳: اینکه در جامعه مهدوی، تکلیف زندگی پیدا نخواهد شد - از آنجا که داده شود بی گناه در عبادت گسسته است.

ایشان در جامعه مهدوی انسان را سبزه می توانستند بکارند و با هم تقسیم نمی شود و خیرخواه دیگران باشند و بگریه در راهم شدن زمین را در نگاه است.

دین و زندگی (۲) - درس ۹ - ص ۱۱۹ و ۱۲۰

②

محمد آقا صاحب

سوال ۶۲: بیخ نرسید: ا: مطابق آیت «وَأَنَّ اللَّهَ رَئِيٌّ وَرَكِيمٌ فَاعْبُدْهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» آیت

جای فداوندت دیده در دست راست (عملت) دیگران؛ یا در برابر ستم (معالون). بنام این ربوبیت الهی
و استغناء (عملت) به سستی فداوندت است.

رد نرسید: در این آیه بیشتر به تعبیر اجتماعی توصیف عملی است که شریعت حیرانه در آن

صفتی فعلیه صورت صبیح آمده است «فَاعْبُدْهُ» : او را بپرستید»

دین و زندگی (۳) - درس ۳ - ص ۳۲

سوال ۶۳: نرسید: در اسلام، اخصاص شرط قبولی تمام اعمالی است که قرار به درگاه خداوند

عرضه دارد. (فلا صفة لله) از «توصیف عملی است» و «تشریف» در حد اینها «أَيُّكُمْ بِرَأْسِهِ»

آن تقویدانکه مثنوی دُفترادی... «بسی از صفت در توصیف عملی (اخصاص) یکم برای فدرات
ببین می کند»

دین و زندگی (۳) - درس ۴ - ص ۴۳ و ۴۴

سوال ۶۴: مطابق عبارت قرآنی در ذلک بجا آمدت آید بیغم: این [تحریرت]، به خاطر کردار ایشان

شماست. «عقوبت» و «عجزات» ما به واسطه اعمال اخصاصی خود ممکن است و انان در آن نقش

دارد (رد نرسید ۲)

دین و زندگی (۳) - درس ۵ - ص ۵۵

محمد آقا علی

سوال 57: تفسیر 3. حدیث در معشر التوا، الفقه تم المتجر، بیانگر این است که با مع

با اتمام بجزای آن شوم گنیزد رب حرام که یکی از مصداق آن رب خدای است، شولع

دین و زندگی (3) - درس 8 - ص 102

گزینه 2

سوال 58: آنگاه در نظر سوال است، مراحل تکمیلی توبه می باشد که عبارتند از: 1- کشش

در جهت دور شدن از گناه 2- جبران حقوق الهی و حقوق مردم

دین و زندگی (3) - درس 7 - ص 115 و 117

گزینه 3

سوال 9: مطابق روایت نبوی «الناس نیام ظاذا ماتوا انتبهوا: مردم [در این دنیا] بیدارند

هنگامی که صبح می شود، بیدار می شوند. زمان هر شبی مردم از زمان مرگ آن در حقی اذای و

اصبرکم الموت» است و آن یکی از مبرکات است که در روایت آمده است «قرآن التار

آخ خیرة لکم القوان: سرای آخرت زینتی صفتی است. هر شبی توبه

دین و زندگی (11) - درس 3 و 5 - ص 141 و 142 و 145

سوال 60: گزینه 2: هم تریب زمان

در دو رفته با زکریا بوی قدس تبارده شود، سبب از فقار رکعت نماز بدون بوی خوش است.

لیت آراستگی در زمان نماز عبارت از سه دارد.

دین و زندگی (11) - درس 11 - ص 137 و 138 / دین و زندگی (2) - درس 6 - ص 5 و 6

سوال ۷۱: نرنیه ۱: اینکه می‌گویند مرجع تقلید به علم باشد؛ یعنی از میان فقهاء از همه عالم برتر (مستقصه تر) باشد.

نکته از راه های شناخت مرجع تقلید، این است که یکی از فقهایان، در میان اهل علم آن جنبه مشهوره باشد که آن مطلقش شود و بدانند که این فقیه، واحد تر است.

دین و زندگی (م) - درس ۱۰ - ص ۱۲۸

سوال ۷۲: نرنیه ۲ تفاوت های میان ازن و مرد به حیثه وظائف مختلفه است که فایده حکیم بر همه

هر یک از ازن و شوهر نهاده است تا هر کدام از آن ها بتوانند در زندگی مشترک در آن نوادگی نقش علمی خاصی را بر عهده بگیرند و بیک قانون متعادل را پدید آورند.
رد نرنیه ۱ (و ۳): ازن و مرد در روحیات آنها نیز مشترک می‌باشند.

دین و زندگی (م) - درس ۱۲ - ص ۱۵۱

سوال ۷۳: نرنیه ۳: اینکه خداوند نور آسمان ها و زمین است «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»

یعنی تمام موجودات، او بود خود را از او می‌گیرند به همین حیثه هر موجودی در حد خودش تجلی بخشی خداوند و شکر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است.

رد نرنیه ۱: روشنی بخشی به آسمان زمین مفهوم صحیح و از آن نور برای خداوند نیست.

رد نرنیه ۲: بعضی نور بودن خداوند این است که موجودات به واسطه آن نورانی می‌شوند.

دین و زندگی (م) - درس ۱ - ص ۱۱

محمد اقصیٰ

11

سوال ۷۴: نزلہ ۲: آیہ شریفہ «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا
لَهُمْ بَابَ ثَمَرَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَآرَأَوْا فَذُرَاهُمْ يَٰ كَافِرِينَ تَكْسِبُوهُمْ»
مردم شہرہ ایمان آورے دستو آہستہ ہا کرنے (ایمان و تقویٰ اچھی ہے) قطعاً بیانیہ ہی منظور
ہر کاشی از آہی و زمیں وں تذبذب کردند، یہی آیتہ را قرآن کریم بہ [کفر] آنہ
مترتب ہا شدند، ہم نہ تائید ایمان انہا در زندگی اوہ اشہ دارد
درس (۵) دین و زندگی (۳) - ص ۵۶

سوال ۷۵: نزلہ ۴: قرآن کریم ہ فرمایہ: «تَسَىٰ كَمَا يَبَازِغُ الْوَجْدُ (تدبیر کند) و ایمان آورد و عمل صالح
انجام دہد، خداوند تہاں آتہ را بہ حسنات تبدیل ہی کند»
دین و زندگی (۳) - درس ۷ - ص ۸۳